

نقش عرف در تعیین پوشش و نقص الزامات عرفی آن

صبا افراز^۱

* نوع مقاله: یادداشت تخصصی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۴

چکیده

پوشش یکی از مهم‌ترین اصول و ضروریات دین اسلامی است که در جامعه ما علاوه بر جنبه شرعی و اسلامی، جزء قوانین قانونی و لازم الاجراء برای افراد جامعه محسوب می‌شود. پوشش یکی از هنجارهای فرهنگی در جامعه کنونی محسوب می‌شود. جنگ نرم دشمن، علیه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که سال‌ها با برنامه ریزی‌های فرهنگی غرب در کشور ما نقش بسته است. پوشش شرعی زن و مرد قواعد و ضوابط مشخص و آشکاری دارد ولی رنگ، شکل لباس، ظاهر (مد) آن بر عهده عرف است. در کشور ما با آنکه پوشش و حجاب جزء شریعیات به شمار می‌آید ولی ما امروزه با چالش بی‌حجابی روبه‌رو هستیم که جرم محسوب می‌شود ولی برای آن قانونی مدون نشده است. گردآوری مطالب براساس مطالعات کتابخانه‌ای، سایت‌های اینترنتی و کتاب‌ها و مقالات الکترونیکی جمع‌آوری شده است. در این مقاله به بررسی نقش عرف در تعیین پوشش و نقص الزامات عرفی آن می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: عرف، پوشش، نقص الزامات.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز.
(نویسنده مسئول)



مقدمه

در نظام حقوقی کشور ما قانون نقش اول را پذیرفته و عرف در کنار آن به عنوان منبع حقوقی نقش دارد. در خیلی از مسائل قانون ساکت و خاموش و این عرف است که نقش اصلی را بازی می‌کند. در واقع عرف قاعده ای است عام و دائمی که دولت در آن هیچ نقشی ندارد و از اراده مردم نشات گرفته است.

۱- معنای عرف

عرف معادل رسم، روش، عادت، معمول و قانون غیر مدون. عرف واژه ای است که با واژه‌های «متعارف»، «عرفان»، «معرفت» و «معروف» از یک ریشه گرفته شده اند و از لحاظ معنا به هم نزدیک هستند. محققان لغت برای آن معانی مختلفی را برگزیده اند، از جمله این معانی امر «پسندیده و نیکو» است. عرف در زبان عربی به معنای رمل مرتفع و تپه (ابن المنظور، ۱۴۰۸ق) و در اصطلاح به معنای عادت و هر آن چیزی است که در میان مردم به شکل پایدار و مدام جریان دارد. این گونه عادات زندگی همان رسوم و آدابی است که در اصطلاحات جدید از آن به هنجارهای اجتماعی نیز یاد می‌شود. علامه طباطبائی در تفسیرالمیزان می‌فرماید که: عرف پدیده ای است که عقلای جامعه آن را سنت و روش‌های متداول در میان خود می‌دانند، برخلاف امور نادری که عقل اجتماعی آن را ناپسند می‌شمارد. عرف در لغت به معنای «شناخت و معرفت» و «پی در پی بودن چیزی» به کار رفته است. (پیاپی بودن چیزی به طوری که اجزای آن متصل به یکدیگر باشد؛ مانند یال اسب که به آن «عرف الفرس» می‌گویند؛ زیرا موهای یال در کنار هم قرار دارند). در قرآن کریم دو بار واژه «عرف» به کار رفته است: سوره مبارکه اعراف آیه ۱۹۹ (حَذِّ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ) و در سوره مبارکه مرسلات، آیه ۱ (وَأَلْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا) به معنای «پیاپی» آمده است. عرف در بسیاری از آیات قرآن، معیار تشخیص و داوری است. در آیه ۶ سوره نساء (وَأَبْتَلُوا الْبَيْتَامِي حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا) وَ مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا، آیت الله مکارم شیرازی تفسیر می‌کنند که وقتی یتیمان به سن بلوغ رسیدند آنها را امتحان کنید و اگر بزرگ شدند اموالشان را به آنها بدهید. پیش از آنکه بزرگ شوند اموالشان را اسراف نکنید. و هر ولی که بی نیاز است اجرتی نگیرد. و آن کس که نیازمند است با توجه به شرایط زمان و مکان اجرت بگیرد. هر زمان که اموال را بر می‌گردانید حتماً شاهد بگیرید و خداوند برای محاسبه کافی است.



واژه عرف در زبان انگلیسی: ۱- به معنای قرارداد Custom 2- (Contrat) عرف، مجموعه ای از عادات، رسوم و شیوه‌های رفتاری را نشان می‌دهد که عقل نیز بر آن حاکم است. معنای دیگر آن رسم است که تعاریف زیادی برای آن مشخص شده است ولی در کل می‌توان گفت عادات و رفتاری که انسان از جامعه ای که در آن زندگی می‌کند، می‌آموزد و به نسل‌های دیگر هم انتقال می‌دهد.

۱-۱- عرف از منظر حقوقی

حقوقدانان تعاریف زیادی برای عرف داشته اند: در ترمینولوژی حقوقی به معنای «معروفیت، بخشش، نیکویی، عادت و آنچه در بین مردم متداول است.» در زبان انگلیسی عرف «Custom is another law» به معنای قانون بیان می‌شود. در برخی دیگر از فرهنگ‌ها و مراجع حقوقی عرف را: به معنای چیزی که در ذهن شناخته شده و خردمندان آن را پذیرفته اند. البته نیاز نیست که همه مردم آن را بپذیرند بلکه اغلب افراد آن را بپذیرند کافی است. عرف از نظر حقوقی قاعده نوشته ای است که عام و دائمی است و به طور مستقیم از اراده مردم سرچشمه می‌گیرد و برای اجرا شدن در محاکم باید از طرف حکومت به رسمیت شناخته شود (مازندو، ۲۰۰۰)، قانون اساسی و شالوده‌های است که قانونگذار بنیان می‌گذارد، ولی رسوم و عادات، اساسی است که از طرف عموم افراد ملت گذاشته می‌شود (مونتسکیو، ۱۳۹۲). زمانی که این عادت در جامعه فراگیر و همگانی می‌شود، همه آن را به صورت یک «عادت عمومی» به حساب می‌آورند. چنان در ذهن‌ها جای می‌گیرد که همگان خود را ملزم به رعایت آن می‌دانند و ترک آن را ناپسند و ناشایست می‌دانند. در چنین وضعی عادت عمومی به عرف تبدیل می‌شود. به عنوان مثال: انگلیسی‌ها به رانندگی از سمت چپ خیابان عادت کرده اند، به طوریکه این عادت برای آنان عرف و قاعده زندگی شده است. خاستگاه و منشأ پیدایش عرف، رفتار فردی است؛ یعنی قاعده عرفی در نقطه آغاز خود به صورت یک ابتکار و خوی و عادت فردی بوده است، ولی در جریان تکامل خود از حالت فردی خارج می‌شود و به صورت یک عادت جمعی درمی‌آید. در این مرحله است که به آن «عرف» گفته می‌شود؛ یعنی عرف نیز مانند قانون از اراده جمعی ناشی می‌شود نه از اراده یک فرد. (کربنیر^۳، ۱۹۹۱). پیشکسوت بزرگ حقوق در مورد عرف می‌فرماید: قاعده ای است که به تدریج و خود به خود میان همه مردم یا گروهی از آنان به عنوان قاعده ای الزام آور مرسوم شده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۲).

¹ Mazeaud

² de Montesquieu

³ Carbonnier



۱-۲- انواع عرف

عرف از تقسیم بندی متفاوتی دارد از جمله: (عرف عام و خاص)، (عرف عملی و قولی)، (عرف صحیح و فاسد) و ...

۱-۲-۱- عرف عام

عرف عام یا همان بنای عقلاً، عبارت است از چیزی که بین اغلب مردم در جوامع مختلف، از اقوام مختلف و در زمانها و مکانهای متفاوت رواج داشته و بسیاری از امور عمومی اجتماع بر آن استوار است؛ مانند رجوع جاهل به عالم، و عدم نقض یقین با شک. عرف وقتی عام است که قلمرو جغرافیایی آن در سطح ملی و مربوط به کل کشور باشد و همه مردم جامعه آن را پذیرفته باشند. (جستاز، ۱، ۲۰۰۵).

۱-۲-۲- عرف خاص

عرفی که در میان مردم یک شهر یا یک استان معین و در زمان و مکان معین رواج دارد. مانند شیوه خاصی که در میان سردفتران یا ناشران رایج باشد، «عرف خاص» محسوب می شود. در حقوق فرانسه از عرف عام به Coutume و از عرف خاص به Usage تعبیر می شود. (جستاز، ۲۰۰۵).

۱-۲-۳- عرف عملی

قاعده حقوقی است که در اثر یک عمل و پایبندی همگان به آن ایجاد می شود. عرف جامعه ما در این است در هنگام معامله سریعاً "بهای کالا را پردازند. به عبارت دیگر، عرفی که در قسمتی از کارهای خاص مردم رایج است؛ مانند بیع معاطاتی که معمولاً بین مردم شایع است و آن را قبول کرده اند.

¹ Jestaz



۱-۲-۴- عرف قولی

منظور از عرف قولی این است که مردم در یک جامعه معین لفظی را در معنایی غیر از معنای لغوی آن به کار برند. هر گاه لفظ به طور مطلق و بدون قرینه در کلام استعمال شود، و معنای عرفی آن به ذهن همگان متبادر شود، عرف لفظی یا قولی محقق شده محسوب می شود. به عبارت دیگر، عرفی که در آن برخی الفاظ بر خلاف معنای لغوی خود، معنای خاصی پیدا کرده و در آن معنای خاص استعمال می شوند؛ مانند لفظ «ولد» که در لغت برای پسر و دختر وضع شده ولی در عرف، تنها بر پسر اطلاق می شود.

۱-۲-۵- عرف صحیح

آنچه که بین مردم رایج است و مخالف نص قرآن و سنت نبوده و موجب از بین رفتن منفعت و به وجود آمدن مفسده نباشد؛ مانند اطلاق لفظ بر معنایی عرفی، غیر از معنای لغوی آن، و مثل این که عرف است هنگام عقد هدایایی از طرف داماد برای عروس می برند و آن را جزو مهریه او حساب نمی کنند، و موارد مشابه دیگر.

حقوق و مطالعات نوین

۱-۲-۶- عرف فاسد

آنچه بین گروهی از مردم رواج دارد و مخالف شرع است؛ مانند برخی از معاملات ربوی، یا نوشیدن مشروبات الکلی که بسیاری از کشورهای غربی رواج دارد. و مانند نوع روابط بین دختر و پسر و گزینش همسر در برخی جوامع که هر چند احیاناً عرف معمول آن مناطق به حساب می آید، ولی چون مخالف شرع محسوب می شود، به عنوان عرف فاسد شناخته می شود. (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹).

۱-۳- جایگاه عرف در فقه

عرف در مباحث فقهی و استنباط احکام در چهار نقش مطرح می شود:

۱- گاهی نقش کاشف حکم شرعی را دارد؛ یعنی حکم شرعی از عرف استفاده می شود و این در صورتی است که آن عرف از زمان معصومان (ع) رواج داشته و مورد مخالفت آن حضرات نیز قرار نگرفته باشد. این چنین عرفی در زمره سنت تقریری است. از همین قبیل است سیره متشرعه و بنای عقلایی که در زمان معصوم رایج بوده و مورد تأیید شارع مقدس قرار گرفته است؛ مانند عقد فضولی.



۲- گاهی احکام شرعی روی مفاهیم و موضوعاتی رفته که شارع تعریف و تحدید آن مفاهیم و موضوعات را به عرف واگذار کرده است. در این مورد، احکام تابع موضوعات هستند و با اختلاف عرف، حکم نیز مختلف می‌شود. مثلاً یکی از موارد مصرف زکات، مصرف آن در راه خدا «فی سبیل الله» است، ولی تعیین مورد و مصادیق آن امری است عرفی. ممکن است در شرایطی ساختن مدرسه و مسجد و کتابخانه از مصادیق آن باشد، و ممکن است در زمانی که وسائل پیشرفته ارتباط جمعی نقش بسزایی در تسخیر افکار و هدایت یا گمراهی انسان‌ها دارند، مصرف زکات در راه فراهم کردن وسائل مجهز و پیشرفته ارتباطی برای آگاه کردن مردم در دورترین نقاط کره زمین و آشنا کردن آنها با فرهنگ و معارف انسان‌ساز دین اسلام و مقابله با تهاجم فرهنگی مکاتب مادی و استعماری، از بارزترین مصادیق «فی سبیل الله» باشد. البته این امر تا جایی جایز و بلکه لازم است که منجر به پیمودن راه‌های ممنوع و حرام برای رسیدن به مقصود نشود.

۳- گاهی نیز عرف و فهم عرفی، ملاک و معیار کشف مقصود متکلم قرار می‌گیرد. این مطلب در مباحث الفاظ کاملاً مشهود است. در مباحث الفاظ، برای فهم معانی الفاظ مطلق که متکلم بیان کرده، ظهور عرفی مبنای استدلال قرار می‌گیرد؛ فرقی هم نمی‌کند که متکلم شارع باشد یا غیر شارع. مثلاً علما در بحث امر و نهی، مشتق، عام و خاص، خبر واحد و ... به ظهور عرفی استناد می‌کنند. (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹).

۴- گاهی در تشخیص موضوعات و تطبیق احکام و فتاوا بر مصادیق عرف نقش مهمی به عهده دارد. در برخی زمینه‌ها که شارع خود به معنای خاصی اشاره کرده و مصادیق آن را تعیین کرده است؛ مانند معنای مسافر، صلاه، حج و ... در این گونه موارد عرف نقشی نخواهد داشت، اما در بسیاری از موارد در تعیین مصادیق نظر عرف ملاک است. به عنوان نمونه، آیا این مایع، مشروب الکلی است یا خیر؟ آیا این ماهی فلس دارد، یا خیر؟ شطرنج در حال حاضر کاربرد تفریحی و فکری دارد، یا تنها وسیله قمار به شمار می‌آید؟ و ... در این گونه موارد نظر و تشخیص عرف کارساز است. (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹). در این مقاله ما به پوشش عرفی اشاره داریم.

۲- پوشش (حجاب)

حجاب در واژه فارسی پوشش و در واژه عربی (حجاب، ستر، پرده، مانع، حائل) را شامل می‌شود. در فرهنگ معین حجاب را پرده، ستر، نقابی که زنان چهره خود بدان پوشانند، روبند، برقع و چادری که زنان سرتاپای خود را بدان پوشانند. پوشش، حجاب را بر دو نوع تقسیم بندی می‌کنند: نوع اول حجاب شرعی و نوع دوم حجاب اجتماعی. در قرآن، خداوند زن را به حجاب شرعی فرمان داده است



و آن «منع اختلاط او با مردان در جاهایی که شبهه می‌آورد» و «خودداری او از آنچه که شایسته اش نیست.» اما حجاب اجتماعی (پوشاندن سر و چهره)، شیوه پوشش کشورهای اسلامی متفاوت است و این حجاب از دین نیست و مربوط به فرهنگ اجتماعی و جایگاه زنان در آن کشور است. از نظر فقهی در آیات و روایات کلمه حجاب بکار نرفته است. در نظر فقها در کتاب الصلوه و کتاب النکاح واژه ستر و ساتر بیشتر به چشم می‌خورد که پوشش زن در مقابل نامحرمان است. مستورات به معنای زنانی هستند که دارای پوشش و ستر هستند. (احصائی، ۱۴۰۳ق). از لحاظ حقوقی و قانونی هیچ قانونی برای آن وضع نگردیده است. حجاب از احکام ضروری دین اسلام است که در فقه، سنت، سیره اسلامی تاکید زیادی شده است. از نظر دین اسلام، حجاب وسیله‌ای است برای صیانت از زن و ارتقای شأن و شخصیت او در جامعه. در آیه‌های ۳۰ و ۳۱ (قُلْ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ يَغُضُّوْنَ مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوْنَ اَفْروُجَهُمْ ذٰلِكَ اَزْكٰى لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌۢ بِمَا يَصْنَعُوْنَ و) از سوره‌ی نور تصریح شده، قرآن کریم نگاه مرد و زن را محدود کرده، و آن را رمز پاکی و طهارت روح آنان دانسته است. این پاکی و طهارت همان عفاف و پاک‌دامنی است که راه فساد را می‌بندد و مرد و زن موظف شده‌اند عفت نفس را در غرائز نفسانی و امیال جنسی پاس دارند و پیرو هواهای نفسانی نباشند، و نیز زن را مکلف کرده پوشش و سراندازهای خود را بر سر و گردن بیفکند و زیور پنهان خود را جز برای همسر و محرمان آشکار نکند. اولین نمونه ثبت شده از حجاب برای زنان در کتاب مقدس پیدایش، فصل ۲۴، آیه ۶۵، هنگامی که ربه‌کا در اولین دیدار با اسحاق خود را با حجاب می‌پوشاند. نمونه دیگر آن از یک متن قانونی آشوری از قرن ۱۳ قبل از میلاد، که استفاده از آن به زنان نجیب محدود می‌شد.

۲-۱- تاریخچه حجاب در ایران

تحقیقات مورخین و پژوهشگران نشان می‌دهد که زنان ایران، از زمان مادها (که نخستین ساکنان آریایی ایران زمین بوده‌اند) حجاب کاملی شامل پیراهن بلند چین دار و شلوار تا مچ پا و چادر و شنلی بلند روی لباس‌ها، داشته‌اند. این حجاب در دوران سلسله‌های مختلف پارس‌ها نیز معمول بوده است. در زمان زرتشت و قبل و بعد از آن، زنان ایرانی از حجابی کامل برخوردار بوده‌اند. در کتاب «حقوق زن در اسلام و اروپا» در این زمینه آمده: «در کیش آریایی، ملکه‌ها و شاهزاده‌ها و زنان عالی رتبه همه حجاب داشتند. و زنان ایرانی برای برای حفظ حیثیت طبقه ممتاز و ایجاد امتیاز آنها از زنان عادی و پایین‌تر صورت خود را می‌پوشاندند و گیسوان خود را پنهان نگه می‌داشتند... بلند نگه داشتن گیسو، مخصوص زنان بزرگان بوده است. همچنین محبوب بودن (پوشش صورت) به زنان اشراف اختصاص داشته است.» در زمان اشکانی زنان بیشتر از دوران



هخامنشی از چادر استفاده می‌کردند و کلاه‌های عمامه دار بر سر می‌گذاشتند که موهای آنان را می‌پوشانید. در آن زمان زنان دربار و اشراف مانند سایر زنان پوشیده و با حجاب بودند.

۲-۱-۱- از ابتدای اسلام تا دوران صفویان

در پایان دوره ساسانیان اسلام وارد ایران گردید و پس از ورود اسلام به ایران نیز حجاب با تأثیرپذیری از فرهنگ غنی اسلام شکوه بیشتری یافت و زنان ایرانی همچنان حجاب داشتند، در این دوره حجاب زنان تغییر زیادی یافت، ولی همچنان فرهنگ استفاده از چارقد و چادر بلند و دوری از اختلاط با مردان بیگانه تأکید می‌شد. در این دوره به دلیل توجه صفویان به آداب و رسوم و مذهب شیعه، به پوشاک بانوان توجه خاصی شد. وضع پوشش زنان در دوره صفویان به این صورت بود که زنان، هنگام خروج از خانه صورت خود را به مردان نشان نمی‌دادند و لباس‌های بلندی می‌پوشیدند که تا مچ پای آنان را فرا می‌گرفت و در جلوی صورتشان دو شکاف کوچک بود که بتوانند ببینند.

۲-۱-۲- دوره قاجاریه

از دوره فتحعلی شاه به بعد، در اثر رفت و آمد اروپائیان و مسافرت بعضی از افراد طبقات مرفه به اروپا به تدریج فرهنگ بدحجابی زنان ترویج شد. در دوره ناصرالدین شاه ارتباط بین ایرانیان و اروپاییان شدت گرفت؛ از طرف حکومت، دانش آموزشی جهت تحصیل به خارج از کشور اعزام شدند و در داخل ایران هم، مدارس جدیدی، با هدف ترویج اندیشه‌های اروپایی و غربی تأسیس شدند. در این مدارس، عمدتاً "فکر و اندیشه غربی به همراه آداب و رسوم و پوشش غربی و اروپایی که در نهایت، به کت و شلوار و لباس‌های تنگ و شبیه به لباس مردان می‌انجامید در اذهان دختران و زنان ایرانی، به جای پوشش‌های سنتی، به تدریج جایگزین می‌شد و به تدریج برخی از دانش آموزان در این دوره، با روی باز و بدون نقاب در کلاس‌های درس، اماکن عمومی دیگر حاضر می‌شدند و تدریجاً پوشش نقاب و حجاب در این دوران از دایره پوشش زنان ایرانی خارج می‌شد. و در این دوره، حتی عده ای معدود از زنان ایرانی، جرأت یافتند تا بدون چادر در جامعه یا در مدرسه‌ها، حاضر شوند. در زمان مظفرالدین شاه و محمد علی شاه قاجار نفوذ و تأثیر اروپاییان در فرهنگ ایران شدت بیشتری به خود گرفت و در دوره احمد شاه قاجار، اقدامات عملی شدیدتری برای رفع حجاب و به ویژه مبارزه با چادر زنان ایرانی، آغاز گردید. (ملا ابراهیمی، ۱۳۸۹).



۲-۱-۳- دوران کشف حجاب

پس از سفر رضا خان پهلوی به ترکیه، در ۱۷ دی ماه سال ۱۳۱۴، فرمان خشونت آمیز «کشف حجاب» در سراسر ایران، صادر شد. این طرح بزرگ‌ترین ضربه را به فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی وارد کرد. ابتدا با مقاومت زنان ایرانی مواجه شد، ولی رضاخان با زور چادر و حجاب را از سر بانوان مسلمان برداشت. استقبال طبقات مرفه جامعه از کشف حجاب، تشکیل جلسات و محافل با حضور زنان بی حجاب، پذیرش و امتیازدهی به آموزگاران بی حجاب، انتشار روزنامه و مجله با محتوای ضددینی و ترویج بی حجابی و بی بندوباری، الزام کارمندان به بی حجابی، باعث شد این توطئه شوم و خطرناک به مرور در جای جای ایران ریشه بدواند.

۲-۱-۴- حجاب در ایران، پس از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، روح تازه ای در کالبد ایران اسلامی دمیده شد و حجاب اجباری در ایران از ۱۸ مرداد ۱۳۶۲ و توسط مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون مجازات اسلامی، برای عدم رعایت حجاب در معابر عمومی و تعیین مجازات عملی شد. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تغییر در جامعه، تغییر در پوشش است. در سال‌های گذشته در نگرش و رفتار افراد جامعه به خصوص در مورد پوشش و حجاب تغییرات گسترده ای رخ داده است. در جامعه اسلامی بر اساس قوانین و موازین اسلامی برترین حجاب‌ها، چادر پذیرفته شده است، اما با ورود انواع پوشش و مدها، ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی ما هنجارهای آن را در جامعه پذیرفته اند. به گونه ای که کاهش دختران و زنان چادری و با حجاب و افزایش دختران و زنان با لباس‌های تنگ‌تر، کوتاه‌تر و غیر متعارف باعث شده است ارزش‌های سنتی و هویت اجتماعی ما از بین برود. افزایش ارتباطات جمعی و رسانه ای، تکنولوژی‌های مدرن همچون ماهواره، شبکه‌های اجتماعی بر شدت و گسترش آن بی تاثیر نبوده است. جوانان ما با الهام از مدهای پوشش و آرایشی که از سوی برنامه‌های متنوع فرهنگ غربی بر آنان القا می‌شود باورهایشان نابود شده است. گرایش آنان از مذهب و سنت به فرهنگ غرب افزایش پیدا کرده است. همین باور باعث شده است که در جامعه ما تیپ‌های پوششی متفاوتی وجود داشته باشد. زنان و دخترانی که پوشش و حجاب آنان چادر است، مقنعه یا روسری بر سر دارند، مانتوهای بلند و آستین دار با شلواری پارچه ای یا کتان با رنگ تیره بر تن می‌کنند. دختران و زنان با این پوشش با حجاب آراسته و پوشش کامل در جامعه ظاهر می‌شوند. در مقابل آنها دختران و زنانی هستند که مخالف صد درصد چادر و حجاب هستند. آنان مانتوهای تنگ و کوتاه با آستین کوتاه، کت و شلوار، شلوار ساپورت و جین می‌پوشند.



آرایش‌های تند و زنده دارند. آنها با رنگ‌های روشن و زنده در جامعه ظاهر می‌شوند و برایشان هم اهمیتی ندارد. عده ای دیگر تلفیق این دو نوع نگرش هستند چادر بر سر دارند ولی زیر چادر مانتوهای رنگی و آستین کوتاه و... بر تن می‌کنند. این افراد برای زیبایی، بیشتر از حجاب ارزش قائل اند. در کل می‌توان گفت امروزه پوشش عرفی بیشتر زنان و دختران در جامعه اسلامی ما مانتوهای جلو باز، کوتاه بدون هیچ زیپ، قزن و دکمه ای، مانتوهای تنگ، کوتاه و چسبان، شلوارهای جین، شلوارهای کوتاه، ساپورت‌های رنگی، طرح دار و... می‌باشد. پوشش سر آنان نیز شال‌هایی حریر و نازک است که بیشتر برای زیبایی جلوه می‌کند تا حجاب.

۳- الزام

الزام در لغت از ریشه لزم به معنای ثبوت، دوام، کاری را به عهده کسی گذاشتن، و بر او واجب کردن است؛ لزوم الشیء: ثبت و دام الزام بمعنی اثبات و ادامه و ایجاب است. (خمینی، ۱۳۶۸) و در اصطلاح به معنای لغوی خود یعنی پایبندی به تکلیف و تعهد است. الزام از نظر علما، احکام تکلیفی است و انجام دادن یا ترک آن به خاطر مصلحت و یا مفسده ملزمه‌ای است که در آن وجود دارد در صورت رعایت کردن پاداش و در صورت عدم رعایت برای آن کیفر و مجازات در نظر گرفته می‌شود. الزام در تعبیر الزام حکومتی و سیاسی در اصل به معنای تعهد و پایبندی شهروندان به انجام دستورات و قوانین حکومت است نه اجبار. مبنای الزامات حکومتی در فلاسفه غرب، پذیرش الزامات حکومتی بر مبنای خواست مردم و طبیعت می‌دانند ولی در فلاسفه سیاسی اسلام پذیرش الزامات حکومتی بر اساس "اراده تشریحی" خداوند است. آنان بالاترین حقوق را از آن خداوند متعال می‌دانند (خدا مالک و آفریننده عالم است) و تاکید می‌کنند که مردم حتماً "باید از خدا اطاعت کنند. حجاب نیز یکی از الزامات حکومتی برای جامعه اسلامی است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱). در کشور ما، حجاب ریشه در تاریخ چند هزار ساله ای دارد که مردان و زنان، طبق اصول موازین اسلامی و شرعی حجاب را پذیرفته اند. حجاب از دو جنبه می‌تواند متعلق الزام حکومت اسلامی واقع شود. یکی از آن جنبه که حجاب جزء تکالیف شرعی و لازم الاجراست و دیگری در راستای امور جامعه و حکومت اسلامی بر اساس صلاح و مصلحت، حجاب را متعلق الزام قرار می‌دهد. مهم‌ترین ادله در زمینه الزام حکومت اسلامی به حجاب، حفظ نظام اسلامی، برقراری و حفظ امنیت، منع از اشاعه فحشا و دفع مفساد اجتماعی، تأمین منافع مادی و سعادت اخروی، بر مبنای اصل امر به معروف و نهی از منکر و قاعده فقهی تعزیر است.



۱- حفظ نظام اسلامی: یکی از مهم‌ترین عوامل سازنده نظام اسلامی حجاب است. حجابی که دشمن قصد دارد با آن اقتدار ملی و ایمان ملت را از بین ببرد و در جامعه حیا و عفاف را کمرنگ کند.

۲- برقراری و حفظ امنیت: امنیت یکی از مهم‌ترین نیازهای اساسی افراد است. یکی از بهترین راه‌های دستیابی به سعادت اخروی و امنیت اجتماعی در تعامل با دیگر انسان‌ها رعایت حجاب و حفظ اصول و ارزش‌های دینی و اسلامی است. امنیت اجتماعی همان امنیت جان، مال، آبرو و شخصیت اجتماعی افراد است.

۳- منع از اشاعه فحشا: فحشا کارهای زشت و ناپسند است که حکوکت اسلامی موظف است با استفاده از فرهنگ سازی، تبلیغات و تشویق و تنبیه از اشاعه فحشا و بی حجابی جلوگیری کند. می‌توان منع از فحشا را به ۴ عامل سوق داد:

۱- اشاعه فحشا به معنای آشکار کردن گناه ۲- اشاعه فحشا به معنای تظاهر به گناه ۳- اشاعه فحشا به معنای زمینه‌سازی برای ارتکاب گناه ۴- اشاعه فحشا به معنای رایج کردن گناه.

۴- دفع مفسدات اجتماعی: اختلال در نظام سیاسی اجتماعی اسلام، یکی از مصادیق فساد بوده است که در عصر کنونی پدیده شوم بد حجابی، مقدمه برهنگی، آزادی جنسی و بی بند و باری در جامعه است که مشکلات و پیامدهای آن بر امنیت اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. و در دین اسلام، حد معین و مشخصی از پوشش برای مردان و عمدتاً زنان واجب شده است، به طوری که اگر شخص به آن پایبند باشد وظیفه و حکم شرعی خود را انجام داده است و در غیر آن مرتکب حرام شده، عقاب اخروی نصیب او خواهد شد. الزام به حجاب و پوشش از نظر فقه اسلامی، بر دختران بالغ و بانوان لازم است تمام سرو بدن به جز صورت و دست‌ها و قدم پاها را بپوشانند ولی از نظر قانونی حد و مرزی برای آن مشخص نشده است. به عنوان مثال رهبر کبیر انقلاب اسلامی آیت الله العظمی خامنه ای در مورد پوشش زنان و مردان در رساله خود می‌فرماید:



۳-۱- پوشش

۳-۱-۱- لباس شهرت

لباسی که پوشیدن آن به خاطر رنگ، کیفیت دوخت، مندرس بودن یا علل دیگر، مناسب نیست، به طوری که اگر پوشیده شود توجه مردم جلب و صاحب لباس انگشت‌نما شود، لباس شهرت، و پوشیدن آن حرام است.

۳-۱-۲- پوشش در مقابل نامحرم

۳-۱-۲-۱- پوشش زن

پوشش زن در مقابل نامحرم باید به گونه‌ای باشد که:

یک- به جز گردی صورت و مچ دست به پایین (بدون آرایش و زیورآلات) آشکار نباشد.

دو- برجستگی‌ها و زیبایی‌های بدن زن، با وجود پوشیدن آن، آشکار نباشد.

سه- رنگ و خصوصیات آن به گونه‌ای نباشد که جلب توجه کند و موجب تحریک اطرافیان شود.

۳-۱-۲-۲- پوشش مردان

یک- پوشش مرد در مقابل زن باید به گونه‌ای باشد که موجب مفسده نشود.

دو- کشیدن سرمه برای مردان به خودی خود جایز است.

سه- پوشیدن لباس آستین کوتاه به خودی خود جایز است، مگر اینکه مفسده‌ای داشته باشد.

اگر بر خلاف این انجام شود، نقص پوشش صورت گرفته است. در جامعه ما متأسفانه از حجابی که برای زنان و دختران و مردان مشخص شده است، افراد سرباز می‌زنند و همین باعث نقص الزام عرفی پوشش می‌شود. در دو سال اخیر به علت عدم رعایت حجاب و پوشش اسلامی قوانینی تصویب شده است. بر اساس تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن



عمل دارای کیفر نمی باشد. ولی اگر عفت عمومی را جریحه دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. تبصره: زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. نظرات متفاوتی از سوی مسئولان در این زمینه داریم. عده ای از مسئولان پیشنهاد تشکیل کارگروه ویژه‌ای با حضور اعضای مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تصمیم‌گیری در این حوزه منتشر کردند که با واکنش‌های گسترده‌ای روبرو شد. برخی از نمایندگان مجلس نیز خبر از محرومیت‌های اجتماعی برای افراد بدون حجاب دادند. لایحه تعزیرات، جرائم تعزیری را از سوی دستگاه حاکمیتی برای برقراری نظم در جامعه تبیین و مشخص کرده است. ماده ۱۷۸ لایحه پیشنهادی جایگزین تبصره ماده ۶۳۸ قانون فعلی در حوزه جرم‌انگاری و مجازات بی‌حجابی شده است. بر این اساس، «زنانی که بدون حجاب در انظار عمومی ظاهر شوند، مرجع قضائی طبق ماده (۸۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اقدام می‌کند. چنانچه فرد از دادن التزام در مرجع قضائی امتناع کند یا پس از دادن التزام، دوباره مرتکب رفتار مذکور شود، به یکی از مجازات‌های اجتماعی درجه هشت محکوم و همچنین دادگاه می‌تواند علاوه بر مجازات مذکور، وی را به شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی و مذهبی به مدت یک تا دو هفته به عنوان مجازات تکمیلی محکوم کند.» به این معنا که در صورت کشف حجاب از سوی شهروندان، ابتدا با توجه به مقررات عمومی جرائم مشهود به استحضار مقام قضائی می‌رسد، متعاقب آن مقام قضائی پس از تفهیم اتهام، در صورتی که فرد سابقه کشف حجاب نداشته باشد، از مرتکب تعهد و التزام کتبی اخذ و قرار بایگانی پرونده را صادر می‌کند. اما در مواردی که شخص مرتکب به جرم بی‌حجابی دارای سابقه قبلی باشد یا از دادن تعهد و التزام به مقام قضائی خودداری کند، نسبت به پرونده تشکیل شده درباره این جرم رسیدگی قضائی صورت می‌گیرد. قانون‌گذار در این حوزه مجازات‌های جدیدی را به‌عنوان مجازات اصلی تحت عنوان «محرومیت‌های اجتماعی» در ماده ۹ همین لایحه پیش‌بینی کرده است. بر اساس ماده ۹ این لایحه، مجازات‌های اجتماعی درجه هشت شامل ایجاد دوره‌های مراقبتی، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، محرومیت‌های استخدامی و انتصابی، اقامت اجباری، ممنوعیت خروج از کشور و... به مدت‌های محدود است. نقد مهمی که به این بخش از لایحه مذکور وارد است، مشخص‌نبودن تعریف حجاب در قانون است. بر اساس قوانین موضوعه کشور، در مواردی که نصوص قانونی در خصوص تعاریف یا احکامی ساکت باشند، باید به منابع و فتاوی‌های فقهی و شرعی مراجعه کرد. بر اساس متون فقهی ما، از نواحی اندام بانوان فقط صورت و دست‌ها استثنا از حجاب شده‌اند. اما نقد دیگری که در این حوزه وارد است، میزان پذیرش این بخش از لایحه به‌عنوان قانون از سوی جامعه است. در این زمینه نیز باید آسیب‌شناسی و



تحقیقات و بررسی‌های جامعی صورت گیرد و تعیین شود آیا جامعه فعلی ما چنین مصوبه‌ای را می‌پذیرد یا خیر؟ شایان ذکر است که توالی فاسد تصویب قوانینی که مورد پذیرش عرف و جامعه نیست، بسیار زیاد است؛ به‌نوعی که این قوانین در پروسه اجرا از سوی دستگاه‌های اجرائی با چالش گسترده‌ای مواجه می‌شوند و فضای دوقطبی خاصی را در جامعه رواج می‌دهند. در مواد بعدی این لایحه مجازات‌های درجه هفت از نوع حبس یا جزای نقدی و... برای ترویج فرهنگ بی‌حجابی، عدم رعایت الزامات حجاب توسط صاحبان مشاغل و صنوف و انفصال از خدمت برای عدم اجرای مصوبات حجاب توسط مدیران دولتی در نظر گرفته شده است. همچنین عدم نظارت مدیران حرف، صنوف و اماکن صنفی نسبت به رعایت عفاف و حجاب توسط کارکنان خود تخلف‌انگاری شده و دارای جریمه نقدی برای مرتبه اول به مبلغ ۲۰ میلیون ریال و برای مرتبه دوم به مبلغ ۵۰ میلیون ریال است. پیشنهادها: ۱- تقویت ایمان و باورهای مذهبی و جلوگیری از بداخلاقی و کم شدن ارزش‌ها و اخلاق.

۲- استفاده از مبلغان از جنس خود زنان و دختران، عدم جبهه‌گیری در مورد پوشش آنان که بتوانند به راحتی به بحث و گفتگو در این زمینه بپردازند.

۳- برگزاری کارگاه‌های آموزشی، جلسات پرسش و پاسخ در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی.

۴- هم‌افزایی وزارت خانه‌ها و سازمان‌هایی مانند آموزش و پرورش، وزارت علوم، فرهنگ و ارشاد اسلامی، تبلیغات اسلامی و... در زمینه توسعه پوشش و حجاب.

۵- در مقوله حجاب و پوشش، مد و لباس، باید پوشش عرفی را بر اساس معیارهای مصوب شورای فرهنگ عمومی طراحی، تولید و عرضه کنند به نحوی که زنان و دختران بتوانند در کمال آرامش پوشش مناسب خود را انتخاب کنند.



نتیجه گیری

رعایت حجاب نمی‌تواند اجباری باشد، شخص باید رعایت حجاب و عفاف را با عقل و منطق بپذیرد و با دلش آن را رعایت کند. اگر شخصی حجاب و عفاف را نپذیرفته و دوست ندارد، در حریم شخصی خودش می‌تواند آن را نپذیرد ولی در اجتماع که ظاهر می‌شود باید طبق قانون حجاب و عفاف را رعایت نماید. در کشور ما هنوز مولفه‌های سنت در خیلی از خانواده‌ها با شدت و قوت خود باقی است، از سوی دیگر جامعه مدرن و برخی از عوامل فرهنگی، اجتماعی وارد فضای زندگی ما شده است که همین باعث تغییرات بسیار بر پوشش مردم شده است. کم رنگ شدن نهادینه کردن پوشش در خانواده و نگرش سهل‌گیرانه نسبت به آن نقش بسزایی در تعیین پوشش زنان، دختران و مردان جامعه دارد. البته دور از ذهن نیست که اجتماع، همسالان و رسانه‌ها نقش بسزایی در تعیین پوشش دارند. نتایج بدست آمده از پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که پوشش اکنون به عنوان پدیده‌ای فردی شده، مدرن، موقعیت‌مند و زیباگرا تبدیل شده است. وظیفه حکومت اسلامی در این است که با نیکوترین روش دعوت به عفاف و حجاب را گسترش دهد. امر به معروف و نهی از منکر را با تدابیر صحیح، جدال احسن، گشودن زبان خیرخواهانه، برنامه ریزی‌های فرهنگی آموزشی و اقدامات عقلانی مطرح نماید.



منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- جعفری لنگرودی، محمد، (۱۳۶۸)، ترمینولوژی حقوق، انتشارات کتابخانه گنج دانش، بی جا، ص ۴۴۸.
- ۳- مکارم شیرازی، ناصر، تعزیر و گستره آن.
- ۴- ابن المنظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۳۶.
- ۵- احصائی، ابن ابی جمهور، (۱۴۰۳ق)، عوالی الثالی، قم: مطبعه سیدالشهداء، ج. ۱، ص. ۲۷۲.
- ۶- طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۳۹۷.
- ۷- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲)، مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، ص. ۱۷۸.
- ۸- کتاب قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم، تعزیرات.
- ۹- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۱)، نظریه حقوقی اسلام، تحقیق و نگارش: محمد مهدی نادری قمی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱، ص ۹۷.
- ۱۰- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۹)، مساله حجاب، انتشارات صدرا، ص ۳۰.
- ۱۱- ملاابراهیمی، عزت، بهرامیان، مسعود، و زارع درنیایی، عیسی، (۱۳۸۹)، حجاب در ایران باستان. پژوهشنامه زنان، (۲)، ص. ۱۱۱-۱۲۵. [SID. https://sid.ir/paper/235743/fa](https://sid.ir/paper/235743/fa).
- ۱۲- ملکی اصفهانی، مجتبی، (۱۳۷۹)، فرهنگ اصطلاحات اصول، مقدمه، سبحانی تبریزی، جعفر، ج ۱، ص ۳۸۷-۳۸۹، قم، عالمه، چاپ اول.
- ۱۳- ملکی اصفهانی، مجتبی، (۱۳۷۹)، فرهنگ اصطلاحات اصول، مقدمه، سبحانی تبریزی، جعفر، ج ۱، ص ۲۴۵، قم، عالمه، چاپ اول.
- ۱۴- موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۶۸)، البیع، انتشارات اسماعیلیان قم.



۱۵- مونتسکیو، شارل، (۱۳۹۲)، روح القوانين، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران: امیرکبیر. کتاب ۱۹، فصل ۱۴.

16- Jestaz, Philippe (2005), Les sources du droit, Dalloz.

17- Carbonnier Jean (1991), Droit civil, introduction, 20 ed, Puf.

18- <https://fa.wikipedia.org>

19- <https://farsi.khamenei.ir>

20- <https://www.hi-hijab.com>

21- Mazeaud Leon; Jean et Chabas François ; par Chabas François (2000), Leçons de droit civil, introduction a l'étude du droit, t 1, v.1, 12 ed, Montchrestien.

حقوق و مطالعات نوین



The role of customs in determining the coverage and defects of its customary requirements

Saba Afraz¹

Abstract

Covering is one of the most important principles and necessities of the Islamic religion, which in our society, in addition to the Sharia and Islamic aspect, is considered part of the legal and mandatory laws for the members of the society. Covering is one of the cultural norms in today's society. The enemy's soft war is against the Islamic Republic of Iran, which has been influenced by Western cultural plans in our country for years. Sharia clothing for men and women has specific and clear rules and regulations, but the color, shape of clothes, appearance (fashion) is the responsibility of customs. In our country, although veiling and hijab are part of Sharia law, today we are facing the challenge of not wearing hijab, which is considered a crime, but there is no law for it. The collection of materials is based on library studies, internet sites and electronic books and articles. In this article, we examine the role of customs in determining the coverage and defects of its customary requirements.

keywords: custom, coverage, defects of requirements.

¹ Master's student in criminal law and criminology, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University. (Corresponding Author)
afrazsaba@yahoo.com

